

سال‌هاست که کودکان و نوجوانان از سراسر کشور، آثار خود را به مرکز بررسی آثار وابسته به مجلات رشد می‌فرستند. این مرکز پس از پاسخگویی به تمامی آثار، بهترین آن‌ها را انتخاب و در مجلات رشد چاپ می‌کند. از بین شعرهای چاپ شده نیز تعدادی به صورت کتاب، عرضه می‌شود. تاکنون ۱۱ عنوان کتاب از این دست بیرون آمده است که چهار کتاب آخر، از اعتبار و اهمیت بیشتری برخوردارند. این چهار کتاب عبارت است از: «مثل پروانه»، «ردپای بهار»، «جرعه‌های مهتاب» و «لبریز از آواز» در این مجال، نخست نگاهی اجمالی می‌اندازیم به سه کتاب «مثل پروانه»، «ردپای بهار» و «جرعه‌های مهتاب» و آن‌گاه به بررسی آخرین اثر از این مجموعه، به نام «لبریز از آواز» می‌پردازیم. با آنکه خود شعر پدیده‌ای است که بهتر است با آن برخوردی تاریخی - جغرافیایی نشود، اما بررسی

اجزای جمله بر سر جای خود نشسته‌اند و اگر قرار است در شعری آشنایی‌زدایی صورت بگیرد، در صورت ظاهری شعر و به هم ریختگی اجزای آشنای جمله نیست، بلکه در آفرینش معانی است. بسیاری از تصاویری که شاعران این مجموعه‌ها به آن‌ها پرداخته‌اند، تصویرهایی رایج و معمول است، اما تصویرهای ناب نیز در این شعرها بسیار یافت می‌شود. به نظر می‌رسد نوجوانان و جوانان علاوه بر آنکه باشعراهای دوران خودشان همراه بوده‌اند، به‌طور ناخودآگاه، از بکر بودن و تازگی ذهن‌شان نیز استفاده مطلوب برده‌اند:

ندانسته بودم که خفته‌ست شیروی
به ژرفای چشمان آهوی نگاهت
[مثل پروانه / احمد نیکنامی]

وارونه دیده‌اندکسانی که گفته‌اند
باید قفس شویم که گنجشک مردنی‌ست
[جرعه‌های مهتاب / سیدحسین میرعمادی]
همین‌طور که با شعرها پیش می‌رویم، اختلاف

البته در شعرهای بسیاری یک «تو» یا یک «او» غایب وجود دارد که شاعر با او به گفت‌وگو نشسته است. علاوه بر این که بررسی این شعرها از لحاظ اقلیمی و زمانی می‌تواند موضوع بسیار با اهمیتی برای جامعه‌شناسان باشد، مریبان تربیتی نیز می‌تواند با بررسی درگیری‌های ذهنی نوجوانان و جوانان، به فکر سمت و سو دادن مناسب آن‌ها باشد. البته ذکر این نکته لازم است که اگر چه این کار در ظاهر ساده به نظر می‌رسد، در عمل هرگونه اشتباه، جبران‌ناپذیر و خطرناک خواهد بود. جهت دادن به فکرها و هدایت اذهان به ویژه اذهان کودکان و نوجوانان - باید دقیقاً با روش‌های علمی و با کمک روان‌شناسان و جامعه‌شناسان صورت بگیرد و هرگونه اقدام متکی به حدس و گمان، برای نشانیدن ارزش‌ها و جایگزینی مفاهیم در ذهن کودکان و نوجوانان و جوانان، ممکن است فقط افزودن تاریکی روی تاریکی‌ها باشد.

شبهاتی که شعرهای این مجموعه‌ها، چه از لحاظ زبانی و چه از لحاظ موضوعی به هم دارند،

آزادی ذهنی در شعرهای بچه‌ها

مهدی طهوری

- عنوان کتاب‌ها: لبریز از آواز / مثل پروانه / رد پای بهار / جرعه‌های مهتاب
- زیر نظر مرکز بررسی آثار رشد
- ناشر: دفتر انتشارات کمک آموز شی
- نوبت چاپ: اول - ۱۳۸۰ / ۱۳۷۷ / ۱۳۷۷ / ۱۳۷۸
- شمارگان: ۳۰۰۰ / ۳۰۰۰ / ۳۰۰۰ / ۳۰۰۰ نسخه
- تعداد صفحات: ۱۴۴ / ۱۰۴ / ۷۰ / ۱۱۵ صفحه
- ۴۰۰ / ۱۸۰ / ۱۸۰ / ۴۰۰ تومان



این شعرها، مقوله‌ جداگانه‌ای است. کتاب‌های رشد از این نظر می‌توانند اهمیت داشته باشند که هم در برگزیده اشعار آفرینندگان جوان شعر، در سراسر کشورند و با بررسی آن‌ها می‌توان به حال و هوای کلی شعر در بین نوجوانان و جوانان دست یافت و هم این که ثبت این شعرها یک جور نشانه‌گذاری برای شعر جوان ماست. مثلاً نشانه‌هایی که در اشعار روزگار جنگ دیده می‌شود، با نشانه‌های شعر در اوایل انقلاب و پس از رحلت امام یا امروز متفاوت است. به کارگیری کلمه‌ها، نوع زبان، حتی گاهی وزن‌ها ثروت‌های عمده‌ای دارد.

از خصوصیات بارز شعرهای این کتاب‌ها، سادگی زبان شعرها در عین آفرینش تصاویر است. در واقع، شاعران این شعرها، شاید بدون این که خودشان متوجه باشند، بهترین شیوه را برای سرودن شعر انتخاب کرده‌اند. ردیف غزل‌ها معمولاً فعل است.

زبانی بسیار اندکی در بین آن‌ها دیده می‌شود. شاخصه اصلی این شعرها، صمیمیت و لطافت در زبان است، اما در بررسی موضوعی اشعار، به شعرهای غم‌انگیز و حال‌هواهای ناامیدانه و حسرت‌آمیز، بیشتر برخورد می‌کنیم:

با وجود هجوم این همه درد
خنده‌هامان چه قدر بی‌معناست
تو بگو من کجا توأم یافت
خنده‌ای را که مثل گل زیباست
[مثل پروانه / محسن اعلا]

خود طبیعت نیز مانند همیشه دستمایه تعدادی از شاعران جوان است یک سری از شعرها هم گله از نامردمی‌ها و کمی از آن‌ها عاشقانه است:
فریب چشم تو خوردم به دیدنی که ندارم
خیال ناز تو چیدم به چیدنی که ندارم
[جرعه‌های مهتاب / بهروز قزلباش]

نشان می‌دهد که شاعران آن‌ها به شعرهای یکدیگر توجه داشته‌اند و از هم تأثیر پذیرفته‌اند. این تأثیر حتی گاه در چیدن کلمات نیز دیده می‌شود.

یکی از موارد اهمیت این مجموعه‌ها، آزادی ذهنی شاعران است. بسیاری از تشبیه‌ها، تشبیه‌های تازه‌ای است که قبلاً نبوده و در حال و هوای شعر شکل گرفته است. مثلاً تشبیه «چرخ خیاطی» به «بلبل» شاید کمی دور از ذهن باشد، اما در شعر «عید نوروز»، به خوبی جا افتاده است.

چرخ خیاطی قدیمی او
بلبلی آهنی، ولی زیباست
می‌زند چه‌چه‌ی بلندو قشنگ
در کنار گلی که مادر ماست
[ردپای بهار / سپیده رحیمی]

اگر بخواهیم برای هنرجویان تازه کار، کتاب‌هایی معرفی کنیم که با خواندن آن‌ها تا حدود

زیادی با فضای شعر آشنا بشوند و ر ضمن بتوانند به راحتی با آن‌ها ارتباط برقرار کنند، مجموعه کتاب‌های شعر رشد، کتاب‌هایی بسیار مناسب خواهد بود. این مجموعه‌ها هم دارای تنوع موضوع هستند و هم از لحاظ شیوه بیان متنوعند و هم از پیچیدگی‌های آن‌چنانی در آن‌ها خبری نیست. ناگفته نماند تمام این حسن‌ها که برای این مجموعه‌ها ذکر شد، در محدوده قالب‌های کلاسیک است و در قالب سپید، شعرهای این مجموعه‌ها، چندان حرفی برای گفتن ندارند. شاید تنها بتوان شعر «حسرت» را در بین اشعار سپید، شعری زیبا و قابل تأمل دانست:

حسی غریب از بالای نردبان
تا وجد ستارگان
مرا سوسو می‌زد!
از کوچه عبور را دزدیده بودند.
و از نگاه تیرک چوبی آن
نور را...
[جرعه‌های مهتاب / طاهره شهبابی]

استعداد باشند، ولی هنوز اول راهند. اینگونه پرداختن به نوجوانان یا کودکی که هنوز در فضای ادبیات نفس‌چندانی نکشیده است، آیا باعث توهم او در مورد شعر خودش نمی‌شود. به غیر از این، این نوجوانان چه کار مهمی ممکن است تاکنون در زندگی خود انجام داده و چه فراز و فرودی را طی کرده باشند؟ بنابراین، ذکر مختصری از زندگی آن‌ها چه اهمیتی برای دیگران دارد؟ البته خود بچه‌ها از این کار استقبال کرده‌اند، اما آن‌چه بچه‌های می‌خواهند، حتماً همان چیزی نیست که لازم دارند.

در این مجموعه نیز گل سرسبد را غزل تشکیل می‌دهد. هرچند این غزل‌ها در حال و هوای غزل امروز سیر می‌کند، با تحولات روز و غزل‌سرایی نوین هماهنگ نیست. روال عمودی در اغلب آن‌ها دیده نمی‌شود و از عواملی که در غزل امروز جوانان وجود دارد، در آن‌ها اثری نیست. مثلاً بیت‌هایی در فضای تصویری. شهودی، در این غزل‌ها وجود ندارد (برای آشنایی بیت‌هایی نظیر این از رضا محمدی:
صدا ز کالبد تن به در کشید مرا

که فراز و فرودی مطمئن و شاعرانه دارد و شاعر به خوبی حس خود را در آن منعکس کرده است. از نظر تصویری نیز تصویرهای قابل قبولی دارد:

دیدمی که مه نشست به راهم
یخ بست چشمه پیش نگاهم [سعیده اصلاحی]
قالب چهارپاره را می‌توان نماینده شعر نوجوان دانست؛ چرا که هم شاعران بزرگسال که برای نوجوانان شعر می‌گویند و هم خود نوجوانان، به این قالب رویکردی همه‌جانبه دارند. در بین چهارپاره‌های این مجموعه، چهارپاره‌هایی وجود دارد که به خوبی با شعر شاعران بزرگسال رقابت می‌کند:

بر دوچرخه‌ات هنوز
می‌زنی رکاب و سوت
سایه‌ات نشسته است
زیر آن درخت توت... [اعظم عباس‌پور]
در واقع، می‌توان چهارپاره‌های این مجموعه را به «روز»تر از دیگر قالب‌ها دانست. با خواندن این چهارپاره‌ها می‌توانیم به قدرت خلق بچه‌ها در این قالب، حتی بهتر از فضای حرفه‌ای پی ببریم. تعدادی



آخرین مجموعه شعر مرکز بررسی آثار «لبریز از آواز» نام دارد. این مجموعه شعر، یازدهمین مجموعه، از این دست است که در آن، با تغییراتی رویه‌رویی. نخست آن‌که پس از پایان هر قالب، یک کارشناس به نقد و بررسی شعرها پرداخته است. که بیشتر جنبه آموزشی دارد. دیگر آن‌که به انتهای کتاب، توضیح اعلام اضافه شده است که این توضیح نیز در امتداد فضای آموزشی کتاب قرار دارد. جدا از این‌ها، درباره زندگی و فعالیت‌های هرکدام از هنرجوها، توضیحاتی در ابتدای شعر آنان آمده است. نقد شعرها و توضیح اعلام، کارهای ارزشمندی است که به کتاب هویت تازه‌ای بخشیده، اما آوردن زندگی‌نامه هنرجویان به نظر نگارنده این سطور، کار چندان جالبی نیست. بعضی از کسان که در این مجموعه شعر دارند، از بین ده‌ها شعرشان فقط یکی برای چاپ برگزیده شده‌است. بقیه نیز ممکن است با



دویتی و رباعی نیز زینت بخش این دفتر است. دویتی‌ها و رباعی‌ها حرف چندان تازه‌ای برای گفتن ندارند. با وجود این، رباعی‌ها قابل تأمل‌ترند؛ اگرچه بازهم جای یک نکته در رباعی «شهیذگمانم» باقی است و آن تناقض مفهومی دو سطر از این رباعی است.

سطر اول که شاعر می‌گوید: «ای پاک‌ترین تو را چه پاک آوردند» و بیت دوم که می‌گوید:
بیک تو نیامد و پیامت نرسید
دیدم که از تو یک پلاک آوردند
آخرین بخش این مجموعه، به شعرهای نیمایی و سپید اختصاص دارد. انتظار داریم که این بخش غنی باشد و نیست؛ چرا که عموماً وارد شدن به فضای شعر سپید، به تجربه‌هایی نیاز دارد که کودکان و نوجوانان، فاقد آن‌ها هستند.

جهت دادن به فکرها و
هدایت اذهان به ویژه
اذهان کودکان و نوجوانان -
باید دقیقاً با روش‌های علمی و
با کمک روان‌شناسان
و جامعه‌شناسان صورت بگیرد و
هرگونه اقدام متکی به حدس و
گمان، برای نشانیدن ارزش‌ها و
جایگزینی مفاهیم در ذهن کودکان و
نوجوانان و جوانان، ممکن است
فقط افزودن تاریکی روی
تاریکی‌ها باشد

صدا به شکل کسی شده به پر کشید مرا
که هم تصویری است و هم نوعی مشهود در آن
دیده می‌شود.)

هم‌چنین از روایت که در غزل جوانان پا گرفته است، در این مجموعه خبری نیست و فقط یک شعر را می‌توان حاوی چنین امتیازی دانست که آن هم روایتی را مطرح می‌کند که همه ما از آن آگاهیم:
مردی از کوه می‌رود بالا / در غم لحظه‌های ظلمانی
محو در ردپای روشن خود / سوی یک اتفاق نورانی
سنگ‌های مرا و ناله او / انعکاس صدای
غمگینش

آسمان و دو دست درمانده / خاک و لمس
خطوط پیشانی
[زینب چوقادی]

در بین مثنوی‌های این مجموعه، پخته‌ترین فضای شاعرانه را در شعر «نام‌آشنا» می‌بینیم؛ شعری